

# بررسی روند تغییرات توسعه یافتگی استانهای کشور (دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۵)

دکتر احمد پوراحمد\*

کیومرث حبیبی\*\*

پروانه زندی بختیاری\*\*\*

## چکیده

نخستین قدم در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، شناسایی وضعیت موجود آن مناطق، و این شناسایی، مستلزم تجزیه و تحلیل بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است. برای رتبه‌بندی بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روشهای متفاوتی وجود دارد. در میان این روشها، آنالیز تاکسونومی<sup>۱</sup> با تلفیق شاخصهای مختلف توسعه، درجه توسعه یافتگی آن مناطق را مشخص می‌کند.

این مقاله سعی دارد با استفاده از مدلها و تحلیلهای برنامه‌ریزی، رابطه‌ای منطقی بین استانهای کشور برقرار کند تا سطوح توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی مشخص شود و با ارائه روش جدید توسعه بین بخشی و تعیین نقاط حد بحرانی و جایگاه مراکز سکونتگاهی، راهبردهای

---

\* دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی شهرسازی و معماری دانشگاه کردستان

\*\*\* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

بخشی و ترکیبی را برای رسیدن به توسعه ارائه کرده و با سطح بندی استانهای کشور براساس آخرین داده‌ها و آمار و اطلاعات، روند تغییرات هر استان و جایگاه آن در بیست سال اخیر را بررسی کند.

## واژگان کلیدی

توسعه، استانی، محیط، هم‌بستگی، آنالیز تاکسونومی

### مقدمه

در مباحث توسعه منطقه‌ای، وجود تفاوت‌های منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر بوده و در بسیاری از موارد، تعیین تفاوت‌های مطلوب برای نیل به کارایی اقتصادی موردنظر است. از سوی دیگر، تلاش برای برقراری توسعه پایدار، کوشش جامعی است که با توجه به گستردگی دامنه‌اش، همه جوانب ارتباط بین جوامع بشری و محیط طبیعی را دربرمی‌گیرد. کارایی توسعه پایدار بررسی آن در سطوح متعدد (همسایگی، محلی، ایالتی، ملی، جهانی) و در مقابل دامنه متفاوتی از دیدگاهها (معماری، خدمات اجتماعی، منابع طبیعی، برنامه‌ریزی و غیره) است. در سالهای اخیر، گزارشها و مقالات متعددی مفاهیم، منافع و راهبردهایی را برای سیاره‌ای پایدار، مورد اثبات و استناد قرار داده‌اند (رولن، ۱۹۹۵)، در حالی که عده‌ای دیگر، مدل‌هایی را برای نوآوریهای پایدار محلی یا الگوهای توسعه پایدار مبتنی بر توان و محدودیتهای طبیعی و مصنوع آن ناحیه عرضه می‌کنند (کالتورپ، ۱۹۹۵). با این حال، برخی گزارشهای دیگر، پروژه‌هایی را با استفاده از ملاکهای خاص برای پایداری از قبیل انرژی، آلودگی و اتلاف انرژی و منابع اقتصادی به معرض نمایش می‌گذارند (همان، ۱۹۹۲). نکته مشترک تمامی این انگاره‌ها، پایداری و رسیدن به فرایندی از توسعه است که بتواند پایا و بادوام باشد. لازمه پایداری، تعادل است، زیرا سیستم نامتعادل ناپایدار نیز خواهد بود (چادویک، ۱۹۸۷). بنابراین، توسعه فرایندی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و منتج از استانداردهای زندگی است که باعث بهبود سطح زندگی بخشهای در حال افزایش جمعیت می‌شود. فرایند توسعه به حدی اهمیت دارد که می‌بایست به موازات رشد جمعیت مشاهده شود و توصیفی این‌چنین، شامل مفاهیم کیفی و منصفانه به‌مثابه اهداف

قطعی در هر فرایند توسعه می‌شود. به عبارت ساده، می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابریهاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (هادر، ۲۰۰۰: ۳). در کشور ما، توسعه و زیرساختهای آن در نواحی جغرافیایی کشور در اثر برنامه‌ریزیهای نامطلوب ملی و متمرکز گذشته، تفاوت شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است. بیش از دو دهه است که در ایران سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران، روشهای برنامه‌ریزی از قبیل برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فضایی و آمایش سرزمین را مورد توجه قرار داده‌اند. این محققان تلاش دارند با استفاده عملی از روشهای مذکور، ضمن تأکید بر توانها و منابع محیطی نواحی جغرافیایی، با تدوین استراتژیهای مطلوب و درونزا، توسعه‌ای جامع و فراگیر را مبتنی بر تعادل منطقه‌ای در زمینه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برقرار سازند (رمضانی، ۱۳۷۶: ۵). ایران نیز همچون بیشتر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقتصادی و اجتماعی، در یک یا دو منطقه یا در نهایت چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی است و به طبع شکوفایی اقتصادی - اجتماعی آن مناطق به قیمت عقب نگهداشتن مناطق دیگر است. برای این امر، دلایلی چون استعداد آن مناطق و نواحی و ظرفیتهای بالای اقتصادی آنها در زمینه استحکامات زیربنایی و توان تولیدی مطرح می‌شود، ولی حتی با در نظر گرفتن این مسئله نیز نمی‌توان تدوین و اجرای برنامه‌ریزیهای نامطلوب و تمرکزگرایی پنهان سال اخیر را که سبب تبدیل کشور به چند قطب معدود و برخوردار و اکثریتی محروم شده است، نادیده گرفت. چنین وضعیتی در بیشتر مناطق و استانهای مختلف کشور صادق است. یکی از نخستین نشانه‌های ایجاد مراکز و مناطق ویژه و بی‌تعادلی در بهره‌گیری از مواهب توسعه‌یافتگی، مهاجرت از مناطق کمتر توسعه‌یافته به مناطق توسعه‌یافته و تحرکات جمعیتی ناشی از آن است. به طوری که تنها در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش، ۸/۷ میلیون نفر در داخل سرزمین ایران جابه‌جا شده‌اند (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۰). علاوه بر این، نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که استانهای برخوردار کشور همچون سمنان، تهران، یزد، اصفهان و... به‌مثابه استانهای توسعه‌یافته و استانهایی چون کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، اردبیل و... به‌مثابه استانهای توسعه‌نیافته در تمامی مقاطع آماری مورد بررسی جایگاه خود را حفظ کرده و به‌رغم رشد کمی

اعتبارات جاری و عمرانی این استانها، هنوز تا رسیدن به استانهای مرکزی کشور راه طولانی در پیش دارند. این پژوهش بر آن است که با سطح‌بندی استانهای کشور براساس آخرین داده‌ها و آمار و اطلاعات، روند تغییرات هر استان را در پانزده سال اخیر بررسی کند.

### ادبیات موضوع

در ۱۷۶۳ م، آندرسون روشی به نام تاکسونومی ارائه کرد عده‌ای از ریاضیدانان در ۱۹۵۰ م. آن را بسط دادند و در ۱۹۶۸ م، پروفیسور هالویگ از مدرسه عالی اقتصاد ورکلا آن را به کار گرفت؛ چراکه این مدل می‌تواند مجموعه‌ای را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده و مقیاسی برای شناخت درجه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مورد استفاده در امر برنامه‌ریزی باشد، ارائه دهد (محمودی، ۱۳۷۶: ۲۴).

در ۱۹۶۶ م، محقق و پژوهشگر آمریکایی، ریچارد مورفی، با بررسی‌هایی که روی شهرهای آمریکا انجام داد، با تعیین حوزه نفوذ شهرهای این کشور، به سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی این شهرها پرداخت مورفی با انتخاب شاخصهایی چون ۱. خرده‌فروشی، ۲. عمده‌فروشی (گوشت، لبنیات، نفت و آهن‌آلات)، ۳. خدمات تحویل کالا (نان، میلمان و خدمات کلی)، ۴. جمع‌آوری (شیر و لبنیات و سیلو)، ۵. رفت و آمد (پزشک، دندانپزشک و وکیل)، ۶. بانک، ۷. خدمات (تلویزیون، تلفن، رادیو و...)، ۸. تحویل (روزنامه‌ها و...)، ۹. مهاجرت‌های روزانه و ۱۰. تجهیزات شهری، شهرهای آمریکا را از لحاظ سطوح توسعه به چند طبقه رتبه‌بندی کرد. در فرانسه فکر آمایش سرزمین<sup>۱</sup> همزمان با ضرورت‌های برنامه‌ریزی بازسازی کشور بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. مسائل مربوط به نبود تعادل در پراکنش جمعیت، فعالیت و خدمات، همچنین تمرکز شدید فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی در پاریس و متوازن نبودن رشد شهرها، به‌ویژه منطقه غربی فرانسه، به شکل‌گیری اندیشه آمایش سرزمین انجامید. این تفکر را نخستین بار «گراویه»<sup>۲</sup> در ۱۹۴۷ م، در کتاب پاریس و بیابان فرانسه منتشر کرد. طرح آمایش سرزمین فرانسه بعد از بررسی سطوح مختلف در شبکه شهری این کشور و تبیین

تفاوت‌های منطقه‌ای و تمرکزگرایی شدید پاریس، از سوی داتار<sup>۱</sup> (نمایندگی آمایش سرزمین)، برنامه ایجاد متروپلهای استانی (کلان‌شهرها) را تهیه کرد که اهداف عمده آن جلوگیری از تمرکز شدید فعالیتها در شهرهای بزرگ، به‌ویژه پاریس، و پویا کردن شبکه شهرهای میانی و کوچک بود. تا ۱۹۷۰م، تعداد این متروپلها به ۱۲ شهر رسید تا از سویی پذیرای فعالیت‌هایی شوند که بیشتر در پاریس متمرکزند، و از سوی دیگر، نیروی محرکه‌ای برای توسعه مناطق مربوط باشند. مطالعات استخوان‌بندی شهری فرانسه در دو سطح عمده صورت گرفت:

### ۱- سطح متروپلهای بزرگ منطقه‌ای<sup>۲</sup>

شاخصهای انتخابی برای تعیین سطوح توسعه‌یافتگی این متروپلها شامل ۱. جمعیت شاغل در بخش خدمات، ۲. شمار عمده‌فروشیها، ۳. مراکز تجاری کمیاب و تخصصی، ۴. نمایندگی بانکهای بزرگ، ۵. دفاتر شرکتهای بزرگ، ۶. شمار مشاغل کمیاب، ۷. خدمات اداری فرامنطقه‌ای، ۸. تعداد مراکز آموزش عالی، ۹. تعداد مراکز بهداشتی و درمانی، ۱۰. تعداد مراکز فرهنگی و هنری (سینما، تئاتر، محل برگزاری جشنها)، ۱۱. تعداد مراکز ورزشی، ۱۲. شمار حقوق‌بگیران بخش غیر پایه، ۱۳. قدرت جاذبه شهرها بر طبق قاعده رابلی و ۱۴. جمعیت حوزه نفوذ بود که، با انجام بررسیها و محاسبات لازم و دادن رتبه بین صفر تا چهار به هر یک از این شاخصهای چهارده‌گانه و به‌دست آوردن جمع امتیازات هر یک از شهرها، سطح‌بندی زیر انجام گرفت:

منطقه یک شامل لیون<sup>۳</sup>، مارسلی<sup>۴</sup>، بوردو، لیل<sup>۵</sup>، استراسبورگ<sup>۶</sup>، نانت<sup>۷</sup> و نانسی<sup>۸</sup>.  
منطقه دو شامل گرونویل<sup>۹</sup>، نیس<sup>۱۰</sup>، کلرمون<sup>۱۱</sup>، فران<sup>۱۲</sup>، دیژون<sup>۱۳</sup> و سنت اتین<sup>۱۴</sup>.

1. DATAR
3. Lion
5. Lil
7. Nant
9. Gronovil
11. Klermoon
13. Dijon

2. Grandees Metropolis Regional
4. Marcy
6. Aastrasbourg
8. Nancy
10. Nice
12. Fran
14. Sent Atin

## ۲- سطح منطقه‌ای

در این سطح علاوه بر چهارده شاخص بالا، از شاخصهای دیگری چون ۱. جمعیت کل و جمعیت بخش خدمات، ۲. مراکز تجاری کمیاب، ۳. اتاق بازرگانی، ۴. شبکه راهها و ۵. مراکز آموزش و پرورش استفاده شده است که پس از وزن دهی به مقادیر و شاخصها، سلسله مراتب زیر به دست می‌آید:

الف - متروپلهای منطقه‌ای: لیون، مارسلی و بوردو،

ب - مراکز منطقه‌ای: گرونویل، رن، نیس و مون‌پلیه،

پ - نقش منطقه‌ای ناقص: حدود ۲۵ شهر،

ت - مراکز ناحیه‌ای: حدود ۳۳ شهر (ایزدی، ۱۳۷۳: ۷۵-۶۹).

در ۱۹۹۴ م، نلسون آرتور و همکارانش با بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و نقش دولتها در توسعه ناحیه‌ای سه شهر آتلانتا، پورتلند و آرگون در دوره‌ای سی ساله (۱۹۹۰-۱۹۶۰ م)، نتیجه می‌گیرند به‌رغم آنکه بیشترین میزان سرمایه‌گذاریهای اقتصادی در منطقه آتلانتا صورت گرفت، شهر پورتلند نسبت به دو شهر دیگر از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده و علت این تجدید حیات شهری، مسئله مدیریت و هماهنگی در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه این شهر نسبت به دو شهر دیگر است (آرتور، ۱۹۹۴: ۳۹۶).

در طرح کالبدی ملی ایران که در اوایل دهه هفتاد در مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی انجام گرفت، با الگوبرداری از طرح مطالعات و استراتژی آمایش سرزمین (سیتان) شاخصهایی چون: ۱. جمعیت سال ۱۳۷۰ ه. ش، ۲. درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی در شهر به کل شاغلان آن شهر، ۳. تعداد واحدهای بانکی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت شهر، ۴. درصد باسوادی، ۵. درصد دانشجویان، ۶. تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۷. تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۸. تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۹. درصد خانوارهای برخوردار از تلفن در شهر و ۱۰. نسبت ساختمانهای سه طبقه و بیشتر ساخته شده در آخرین مقطع آماری، با استفاده از مدل تحلیل عاملی، تلفیق و سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرهای کشور انجام گرفت.

در نتیجه، نقاط شهری ایران در سطوح زیر طبقه‌بندی شد:

الف - پایتخت ملی تهران.

ب - قطبهای توسعه: مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز، اهواز، کرمان، رشت، زاهدان و مجموعه شهرهای ساری، قائم‌شهر، بابل و آمل.

پ - مراکز منطقه‌ای ویژه: بندرعباس، همدان، ارومیه و یزد.

ت - مراکز منطقه‌ای سطح یک: دیگر مراکز استانها، گرگان و بیرجند.

ث - مراکز فرعی اولویت‌دار: قم، قزوین و آستارا.

علاوه بر موارد فوق، افرادی دیگری چون اصغر طلامینایی (۱۹۷۴)، آرپی میسرا (۱۹۷۰)، فرهاد نوربخش (۱۹۸۶)، سیدمحمود صدرالدین (۱۹۷۹)، بیژن بیدآبادی (۱۹۸۲)، ابوالقاسم فاطری (۱۹۸۴)، محمدباقر بهشتی گرمی و همکاران (۱۹۸۵)، محمدعلی فضیلتی (۱۹۸۹)، بهروز قاسمی (۱۹۸۳)، حسن پیراسته (۱۹۹۱)، بحرانی (۱۹۸۵)، نوری زمان‌آبادی (۱۹۸۶)، طفرالجردی (۱۹۹۱)، استادی (۱۹۸۹)، رضضانی (۱۹۹۶)، اسلامی (۱۹۹۲)، دهکردی (۱۹۹۳)، شوهانی (۱۹۹۸)، سایه میری (۱۹۹۳)، ضرابی (۱۹۹۵)، محمودی و فیضی‌پور (۱۹۹۶)، زیاری (۲۰۰۰)، رضوانی و حبیبی (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) با انجام بررسیهای متعدد روی نواحی و مناطق مختلف کشور، به تعیین سطوح توسعه‌یافتگی استانها و نواحی پرداخته‌اند.

### روش و متغیرهای تحقیق

برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق، روشهای متعددی وجود دارد که در این میان، آنالیز تاکسونومی از پیچیده‌ترین فنون سطح‌بندی است که با تلفیق شاخصهای متعدد، سطوح توسعه‌یافتگی را مشخص می‌کند. اگرچه ممکن است خیلی ساده بتوان اظهار کرد که ناحیه‌ای از ناحیه‌ای دیگر توسعه‌یافته‌تر است، ولی اندازه‌گیری کمی توسعه‌یافتگی (مخصوصاً اگر با شاخصهای متعددی که مبین واقعیات مناطق باشد، سروکار داشته باشیم) کار ساده‌ای نیست. در برنامه‌ریزی، انتخاب هدف همیشه نخستین عامل و هدف ما در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و منطقه‌ای ممکن است یکسان‌سازی درجه توسعه‌یافتگی مناطق و تعادل بهینه‌سازی فضایی از سطوح توسعه و برقراری عدالت اجتماعی از آن طریق باشد. از مدل تاکسونومی می‌توان برای تعیین

سطوح توسعه و توسعه‌یافتگی نقاط شهری و شهرستانهای کشور با توجه به اصول کلی بهره برد. در این بررسی، برای تعیین سطح توسعه یا رفاه نسبی استانهای کشور، بالغ بر ۳۵ متغیر در سالهای مختلف انتخاب شده است که همگی با توسعه رابطه‌ای مثبت دارند.

### جدول ۱: شاخصهای انتخابی جهت محاسبه سطوح توسعه‌یافتگی استانهای کشور در بیست سال اخیر

شاخص	نیروی انسانی و آموزش	مسکن و ساختمان	ارتباطات و فرهنگ	بهداشت و درمان
۱	درصد باسوادی	نسبت واحد مسکونی بادوام به کل واحدها	ضریب نفوذ تلفن	سرانه پزشکان عمومی
۲	نسبت جمعیت به کتابخانه	واحد مسکونی برخوردار از برق	تلفن همراه	سرانه تخت بیمارستان
۳	نسبت جمعیت به کتاب و کتابخانه	واحد مسکونی برخوردار از گاز	دفاتر پستی	سرانه دندانپزشکان
۴	نسبت شاغلان به جمعیت	واحد مسکونی برخوردار از آب	راه ارتباطی	مرکز درمانی
۵	نسبت شاغلان به جمعیت فعال	واحد مسکونی برخوردار از تلفن	نقاط روستایی دارای تلفن	روستای برخوردار از مراکز درمانی
۶	درصد بیکاری	واحد مسکونی برخوردار کولر	تعداد سینما	داروخانه
۷	بار تکفل	واحد مسکونی برخوردار شوفاز	تعداد تئاتر	کتابخانه
۸	طلاق و ازدواج	تراکم خانوار به مسکن	صندلی سینما	
۹	تراکم جمعیت	مالکیت مسکن	هتل	
۱۰	نسبت رشد جمعیت به رشد مسکن			
۱۱	درصد شهرنشینی			

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

توسعه‌یافتگی ابعاد پیچیده‌ای دارد که روزبه‌روز گسترده می‌شود. ترقی و پیشرفت جامعه انسانی و کاربرد وسیع فناوریهای بسیار پیشرفته در کشورهای توسعه‌یافته جهان و تأثیرپذیری



محیط انسانی از جنبه‌های مثبت و منفی آن، نگرش به کل مقوله توسعه و توسعه‌یافتگی را دچار تحول کرده است. تخریب گسترده و وسیع محیط‌زیست انسانی، تداوم روزافزون فقر و گرسنگی در بخشهای وسیعی از جهان و نیز نارضایتی انسانها از شرایط اجتماعی و اقتصادی، تعریف توسعه یا حداقل برداشت از واژه توسعه را با مشکلات تازه‌ای روبه‌رو کرده است. ابعاد این پیچیدگی با سطح برخورداری جوامع از توسعه و رفاه عمومی و اجتماعی رابطه‌ای معکوس دارد. در جوامع ابتدایی و سنتی که حداقل دسترسی به امکانات لازم برای زندگی وجود ندارد، به آسانی می‌توان معیارهای توسعه و رفاه را تعریف کرد و بر مبنای آن، میزان برخورداری جوامع گوناگون را سنجید، ولی با افزایش سطح رفاه یا توسعه‌یافتگی یا آنچه جامعه به‌مثابه توسعه‌یافتگی می‌شناسد، این موضوع دشوار می‌شود. به‌طورکلی، از دیدگاه نظری تعریف جامع، مانع و موجهی برای توسعه یا توسعه‌نیافتگی وجود ندارد. از دیدگاه کاربردی نیز اگر بتوان تعریفی از توسعه ارائه داد، این تعریف لزوماً در بین تمام جوامع و کشورها مصداق نخواهد داشت. در چنین شرایطی، بهترین کار، ارائه نوعی تعریف کاربردی محدودشده به پارامترهای ویژه است که آگاهانه و به‌صورتی یک‌سویه انتخاب شده‌اند. از این‌رو، با انتخاب پارامترهای متعدد مذکور در جدول ۱، سطح‌بندی استانهای کشور در سه مقطع زمانی انجام گرفته است.

#### ● سطح‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی استانهای ایران (۱۳۶۵ ه. ش)

برای تعیین درجات سطوح توسعه‌یافتگی استانهای کشور، بالغ بر ۲۷ متغیر انتخاب شده که براساس آخرین داده‌های آماری کشور در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ه. ش است. سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور نشان می‌دهد که استانهای تهران، یزد، مازندران، مرکزی، سمنان و اصفهان توسعه‌یافته‌ترین استانهای کشور، و کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و لرستان توسعه‌نیافته‌ترین استانهای کشور هستند. جالب آنکه، ۴ استان کردنشین کشور در این رتبه قرار گرفته‌اند و هر ۶ استان نیز از استانهای مرزی و پیرامونی کشور به‌شمار می‌روند.

جدول ۲: سطح بندی استانهای کشور در سال ۱۳۶۵ ه. ش

رتبه توسعه	وزن نهایی	استان
۱	۵/۳۰	سمنان
۲	۵/۸۹	یزد
۳	۷/۶۳	مرکزی
۴	۸/۴۱	مازندران
۵	۸/۷۸	اصفهان
۶	۹/۴۴	تهران
۷	۹/۶۳	کرمان
۸	۱۰/۴۸	گیلان
۹	۱۰/۴۸	چهارمحال و بختیاری
۱۰	۱۰/۹۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱۱	۱۱/۳۷	فارس
۱۲	۱۱/۴۱	زنجان
۱۳	۱۲/۱۹	آذربایجان شرقی
۱۴	۱۲/۵۲	هرمزگان
۱۵	۱۳/۲۲	همدان
۱۶	۱۳/۸۵	خراسان
۱۷	۱۴/۳۳	بوشهر
۱۸	۱۵/۴۱	خوزستان
۱۹	۱۵/۶۳	آذربایجان غربی
۲۰	۱۵/۷۴	ایلام
۲۱	۱۶/۷	لرستان
۲۲	۱۷/۶۳	کرمانشاه
۲۳	۱۸/۲۶	سیستان و بلوچستان
۲۴	۱۸/۵۹	کردستان

● سطح بندی سطوح توسعه یافتگی استانهای ایران (۱۳۷۶ ه. ش)

برای تعیین درجات سطوح توسعه یافتگی استانهای کشور، بالغ بر ۲۴ متغیر انتخاب شده که براساس آخرین داده‌های آماری کشور در سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ ه. ش است. نتیجه نشان می‌دهد که استانهای تهران، یزد، بوشهر، مرکزی، سمنان، اصفهان و آذربایجان شرقی توسعه یافته‌ترین استانهای کشور، و اردبیل، کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و لرستان توسعه نیافته‌ترین استانهای کشور هستند. جالب آنکه، ۳ استان کردنشین کشور در این رتبه قرار گرفته‌اند و هر ۶ استان نیز از استانهای مرزی و پیرامونی کشور به‌شمار می‌روند.

جدول ۳: سطح‌بندی استانهای کشور در سال ۱۳۷۶ ه. ش

رتبه توسعه	وزن نهایی	استان
۱	۳/۲۵	اصفهان
۲	۴/۵	سمنان
۳	۵/۲۵	یزد
۴	۷/۵	آذربایجان شرقی
۵	۷/۵	بوشهر
۶	۸/۵	تهران
۷	۱۰/۷۵	کرمان
۸	۱۰/۷۵	مرکزی
۹	۱۱/۲۵	گیلان
۱۰	۱۱/۷۵	ایلام
۱۱	۱۱/۷۵	چهارمحال و بختیاری
۱۲	۱۱/۷۵	قزوین
۱۳	۱۲/۲۵	فارس
۱۴	۱۲/۵	مازندران
۱۵	۱۳/۷۵	زنجان
۱۶	۱۵	خراسان
۱۷	۱۶/۲۵	کهگیلویه و بویراحمد
۱۸	۱۶/۵	هرمزگان
۱۹	۱۶/۷۵	همدان
۲۰	۱۷	خوزستان
۲۱	۱۸/۷۵	کرمانشاه
۲۲	۱۸/۷۵	لرستان
۲۳	۲۰/۷۵	کردستان
۲۴	۲۲	اردبیل
۲۵	۲۳/۵	سیستان و بلوچستان
۲۶	۲۳/۷۵	آذربایجان غربی

● سطح‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی استانهای ایران (۱۳۸۲ ه. ش)

برای تعیین درجات سطوح توسعه‌یافتگی استانهای کشور، بالغ بر ۳۵ متغیر انتخاب شده که براساس آخرین داده‌های آماری کشور در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۲ ه. ش است. نتیجه نشان می‌دهد که استانهای تهران، یزد، فارس، مرکزی، سمنان، اصفهان و مازندران توسعه‌یافته‌ترین استانهای کشور، و اردبیل، کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، لرستان و همدان

توسعه نیافته ترین استانهای کشور هستند. جالب آنکه ۳ استان کُردنشین کشور در این رتبه قرار گرفته اند و هر ۶ استان نیز از استانهای مرزی و پیرامونی کشور به شمار می روند.

جدول ۴- سطح بندی استانهای کشور در سال ۱۳۸۲ ه. ش

رتبه توسعه	وزن نهایی	استان
۱	۲/۱۷	تهران
۲	۲/۸۸	سمنان
۳	۲/۸۵	یزد
۴	۲/۹۵	اصفهان
۵	۴/۳	فارس
۶	۳/۰۸	مازندران
۷	۳/۲۲	خراسان
۸	۳/۲۳	چهارمحال و بختیاری
۹	۳/۲۳	مرکزی
۱۰	۳	قم
۱۱	۳/۱۷	بوشهر
۱۲	۳/۳۱	کرمان
۱۳	۲/۸	گیلان
۱۴	۳/۳۴	ایلام
۱۵	۳/۲۹	خوزستان
۱۶	۳/۲۲	آذربایجان شرقی
۱۷	۳/۳۶	زنجان
۱۸	۳/۴۳	هرمزگان
۱۹	۳/۲۲	آذربایجان غربی
۲۰	۳/۳۵	گلستان
۲۱	۲/۵۹	قزوین
۲۲	۳/۴۴	کهگیلویه و بویراحمد
۲۳	۳/۴۸	همدان
۲۴	۳/۵۶	کرمانشاه
۲۵	۳/۵۶	اردبیل
۲۶	۳/۵۷	سیستان و بلوچستان
۲۷	۳/۶۳	لرستان
۲۸	۳/۶۵	کرستان

## نتیجه‌گیری

وجود تفاوت‌های بارز میان مناطقی که در اندازه‌ی برخورداری از امکانات طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و منابع بالقوه متفاوت هستند، همواره محققان را بر آن داشته است تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و اتخاذ روشها و فنون مناسب، به تحلیل این فقدان تعادل فضایی پرداخته و به سهم خود، روشنگر میزان تفاوتها، درجه‌بندی مناطق از حیث برخورداریها و در نهایت، شناخت علل و عوامل تفاوتها، درجه‌بندی و نبود تعادل فضایی باشند. اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود در مقاطع زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به برنامه‌ریزی بخشی توجه کرده و طرحهای آمایش سرزمین، و به‌طور کلی استراتژی بلندمدت توسعه را از نظر دور داشته‌اند. این مناطق با درک مشکلاتی نظیر فقدان نیروهای متخصص و کارآمد، نشناختن قابلیتها و امکانات و در نتیجه، استفاده نبردن بهینه از آنها و توزیع نامناسب جمعیت، به برنامه‌های توسعه و توجه به مدلها و الگوهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای متوسل شده‌اند تا با شناسایی، طبقه‌بندی و حل مسائل و مشکلات، راهبردهای مناسبی را در برنامه‌های خود اتخاذ کنند، اما نتایج این راهبردها در بیست سال اخیر مبین آن است که این برنامه‌ها نه تنها موجب کاهش فاصله توسعه اقتصادی و اجتماعی میان استانهای کشور نشده، بلکه این فاصله روز به روز نیز بیشتر شده است. نتایج زیر این واقعیت تلخ را ثابت می‌کند.

جدول ۵: سطح‌بندی استانهای کشور در سالهای ۱۳۸۲-۱۳۶۵ ه. ش

### براساس میانگین رتبه مقاطع مختلف

استان	درجه توسعه
تهران، یزد، اصفهان، سمنان، فارس، مازندران و خراسان	توسعه‌یافته
چهارمحال و بختیاری، مرکزی، قم، بوشهر، کرمان و گیلان	در حال توسعه
ایلام، خوزستان، آذربایجان شرقی، زنجان، هرمزگان و آذربایجان غربی	کمتر توسعه‌یافته
گلستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، کرمانشاه، اردبیل، سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان	توسعه‌نیافته

● سطح‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی استانهای کشور براساس ۳۵ شاخص انتخابی، نشان می‌دهد که استانهای تهران، سمنان، یزد، فارس، اصفهان و مازندران، به‌مثابه نواحی کاملاً توسعه‌یافته؛ خراسان، مرکزی، قم، بوشهر و کرمان به‌مثابه نواحی تقریباً توسعه‌یافته؛ استانهای گیلان، ایلام، خوزستان، آذربایجان شرقی، زنجان و هرمزگان به‌مثابه نواحی در حال توسعه و دیگر استانهای کشور به‌مثابه نواحی توسعه‌نیافته طبقه‌بندی می‌شوند.

● مدل تاکسونومی یکی از بهترین مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که با تلفیق شاخصهای مختلف توسعه به تعیین سطوح مختلف برخورداری و محرومیت می‌پردازد؛ چنان‌که در پژوهش حاضر، ۲۸ استان کشور در چهارگروه متفاوت طبقه‌بندی شده و بعد از تلفیق نتایج بخش و گروههای مختلف، سطوح متفاوت توسعه حاصل شده است. این امر نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی هر استان در یک بخش چون گردشگری یا فرهنگی، ضامن توسعه‌یافتگی در بخشهای دیگر نیست یا ممکن است استانی در بخشهای مختلفی توسعه‌یافته باشد، اما در یک بخش، برای مثال مسکن و ساختمان. از سطح پذیرشی و هم‌عرض برخوردار نباشد. برای مثال، استان گلستان که در بخش سنجش درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور در رتبه بیستم قرار گرفته است، در صورت بخش‌بندی گروههای مطالعاتی، ملاحظه می‌شود که در بخش بهداشت و درمان رتبه دوم کشور را دارد. این امر در تخصیص اعتبارات، بخش‌بندی نیازها، برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی و... اهمیت شایانی دارد.

● مدل مرکز - پیرامون بر سازمان فضایی توسعه‌یافتگی صادق است؛ به‌طوری که استانهای مرکزی کشور چون یزد، سمنان، تهران و اصفهان در بیست سال اخیر جزو توسعه‌یافته‌ترین استانهای کشور بوده و به موازات دورشدن از مرکز و ایران مرکزی، و نزدیک شدن به استانهای مرزی کشور چون استانهای کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، گلستان، همدان، لرستان، هرمزگان، اردبیل، استان آذربایجان غربی و... میزان پایینی از سطح توسعه‌یافتگی در آنها مشاهده می‌شود.

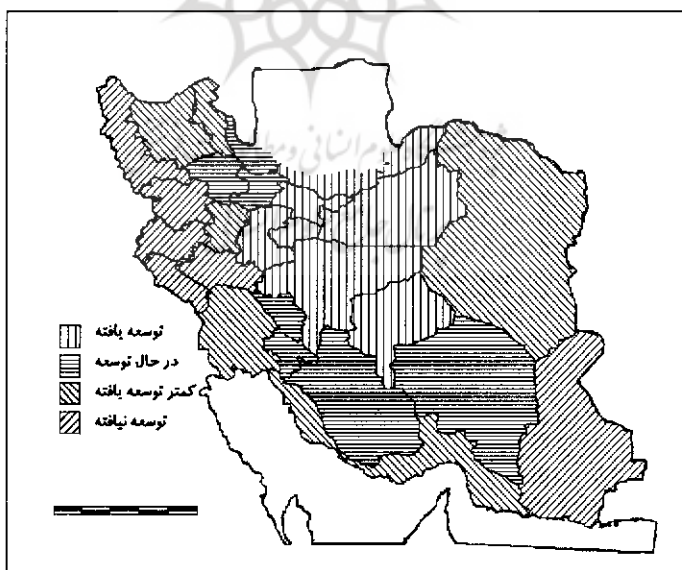
● بین خالص مهاجرت از استان و میزان توسعه‌یافتگی یا نیافتگی آن رابطه مستقیمی وجود دارد، به‌ترتیبی که در پژوهش حاضر، میزان ضریب هم‌بستگی بین ۲۸ استان کشور با درجه توسعه متفاوت و میزان مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی آن، هم‌بستگی ۰/۵۶ ملاحظه می‌شود.

جدول ۶، علاوه بر این دو فاکتور، ضرایب همبستگی بین این فاکتور با فاکتورهای دیگری را بیان می‌کند (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

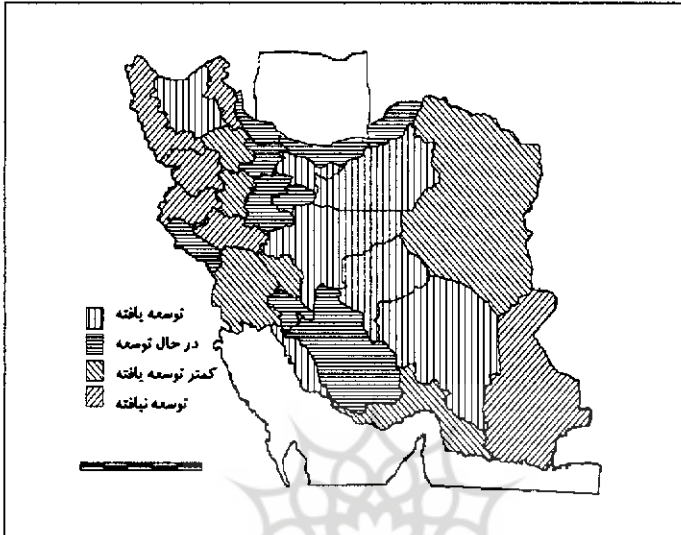
جدول ۶: محاسبه ضریب همبستگی بین درجه توسعه و دیگر عوامل اثرگذار

درجه توسعه یافتگی	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
۱/۴	مجموع اعتبارات عمرانی سال ۱۹۹۷-۲۰۰۰	۱
۱۹/۷	مجموع اعتبارات جاری سال ۱۹۹۷-۲۰۰۰	۲
۱۶/۸	مجموع اعتبارات جاری و عمرانی سال ۱۹۹۷-۲۰۰۰	۳
۱۵/۴	جمعیت کل	۴
۳۰/۵	درصد شهرنشینی	۵
۵۰	درصد باسواد	۶
۵۶	خالص مهاجرت بین استانی	۷

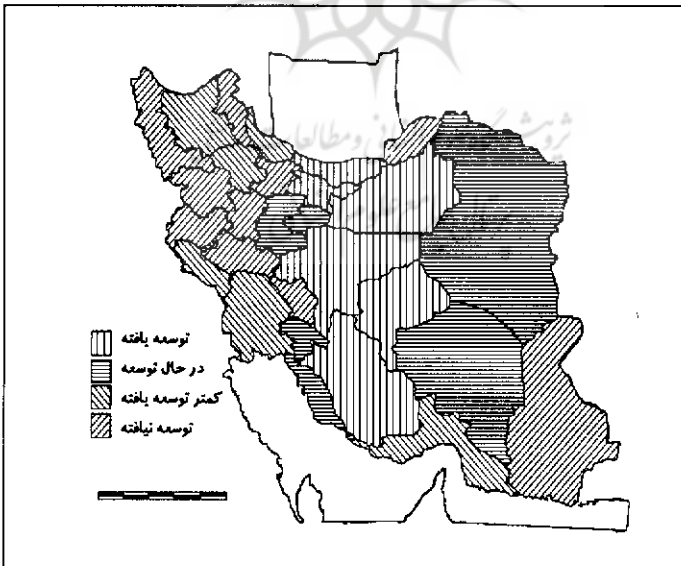
نقشه ۱: درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در ۱۳۶۵ ه. ش



نقشه ۲: درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در ۱۳۷۶ ه. ش

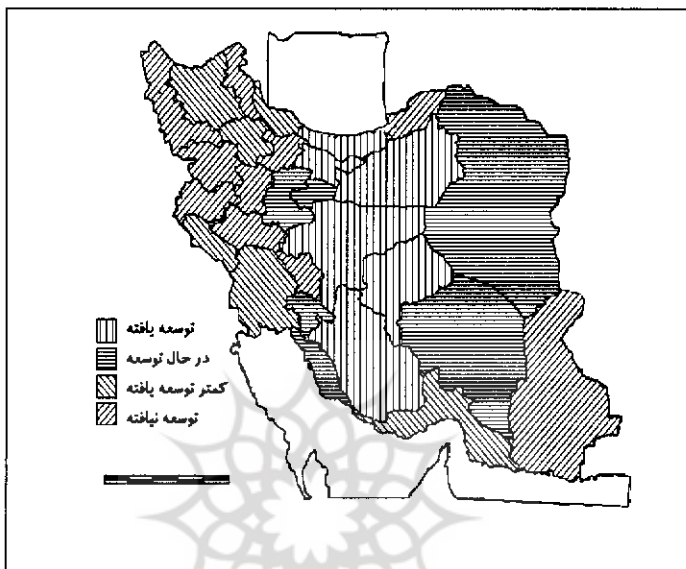


نقشه ۳: درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در ۱۳۸۲ ه. ش





نقشه ۴: میانگین درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در فاصله سالهای ۱۳۸۲-۱۳۶۵ ه. ش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### الف - منابع فارسی

- آسایش، حسین (۱۳۷۶)، *اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات پیام نور.
- ایزدی، کاظم (۱۳۷۳)، *طرح کالبدی ملی؛ مطالعات شبکه شهرهای مهم کشور*، بررسیهای پایه، وزارت مسکن و شهرسازی.
- حقی، محمدعلی (۱۳۷۰)، «شاخصهای کالبدی و طرح‌ریزی سرزمین»، *مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی*، تهران.
- رضوانی، محمدرضا و حبیبی، کیومرث (۱۳۷۹)، *سنجش درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور*، مؤسسه جغرافیا.
- رضوانی، محمدابراهیم (۱۳۷۶)، «سنجش توسعه شمال خراسان بر پایه مدلهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای شهری*، دانشگاه تهران.
- زارع، جمال (۱۳۷۶)، «فضایی روستاها با ارائه راهبرد اصولی»، *مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۹)، *تعیین میزان توسعه‌یافتگی استانهای کشور*.
- سازمان آمار ایران (۱۳۸۲-۱۳۶۵)، *سالنامه آماری*.
- فرهودی، رحمت‌الله (۱۳۷۸)، *اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، جزوه درسی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- فیض‌پور، محمدعلی و دیگران (۱۳۷۴)، «تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق استان یزد»، *نشریه علمی - خبری دانشگاه شاهد*، شماره‌های ۸-۷.
- قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، *تحلیل مقایسه‌ای سطح توسعه‌یافتگی استانهای کشور و تأثیر آن بر مهاجرتهاى داخلی در ایران (طرح پژوهشی بین دانشگاهی)*، دانشگاه تهران.

- متوسلی، محمود (۱۳۸۰)، *الگوسازی تفاوت‌های منطقه‌ای از دیدگاه توسعه منطقه‌ای*، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- محمودی، وحید و فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۷۶)، «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای کشور»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشور، ش ۱۷.
- سازمان آمار ایران (۱۳۷۵-۱۳۶۵)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۰)، *شاخصهای توسعه شهری*، دفتر اقتصاد مسکن.

## ب - منابع لاتین

- Arthur C.N. and Teal (1994), "The Relief Regional Development Management in Central City", revitalization, *Journal of Planning Literature*, Vol.8, No.4, May.
- Calthorpe, Peter (1993), *The Next American Metropolis: Ecology, Community, and the American Dream*, NewYork: Princeton Architectural Press.
- Choudwick, G. (1978), *System view of planning oxford*, Pergamon Press.
- \_\_\_\_\_ (2000), *Development Geography*, Rutledge, London, NewYork.
- Hadder, R. (2000), *Development Geography*, Rutledge, London, NewYork.
- Peet, R. (1999), *Theories of development*, Gulford Press, London, NewYork.
- River Valley, Partner (1995), *A Comprehensive Revitalization Strategy: The South Central Business District Plan*, Prepared by Calthorpe Associates and William McDonnell Architects January.
- Rolan, Mats (Ed) (1995), *Urban Policies for an Environmentally Sustainable World: The OECD-Sweden Seminar on the Ecological City*, Stockholm: Swedish Council for Planning and Coordination of Research.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی